یادداشت روز

«کیم» فهمید برخی هنوز نفهمیده‌اند!

دور دوم مذاکرات «دونالد ترامپ» و «کیم جونگ اون» پنج‌شنبه گذشته گویا، با حالت «قهر» از سوی طرفین تمام شده است. روایت‌هایی متفاوت و بعضا متناقضی از آنچه بین رهبران این دو کشور اتمی گذشته، منتشر می‌شود که قضاوت دقیق بر روی این مذاکره را کمی سخت می‌کند؛ اما آنچه مسلم است اینکه، این نشست شکست خورده و نتایج آن با آنچه احتمالا تصور می‌شد، فاصله زیادی داشته است. اما چرا این مذاکرات شکست خورد؟ آیا می‌توان امیدوار بود این مذاکرات در آینده به نتیجه برسد؟ در این وجیزه تلاش می‌کنیم، ضمن یافتن پاسخ‌های این دو سؤال، یک نکته مهم! را هم یادآوری کنیم.

۱- هیچ کس نمی‌تواند منکر این حقیقت شود که، نزدیک‌ترین تجربه مشابه برای «کیم» جوان در این دور از مذاکرات هسته‌ای، مذاکرات ایران و ۱+۵ (برجَام) بود. مذاکراتی که قاضی آن یعنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ۱۴ بار اجرای کامل و حتی بیش از میزان تعهدات از سوی ایران را تایید کرده اما ترامپ، مثل آب خوردن از آن خارج شد و نشان داد، اصلا قابل اعتماد نیست. طبق گزارش‌های پراکنده‌ای که از گفت‌وگوهای این دو منتشر شده، آمریکا خواستار برچیده شدن تمام برنامه هسته‌ای کره شمالی شده آن هم، در برابر لغو برخی تحریم‌ها و در مقابل، کره شمالی نیز خواستار لغو تمام تحریم‌ها شده، مجادله‌ای بینشان روی داده و با حالت قهر ضمن لغو برنامه ناهار، مذاکرات نیمه‌تمام مانده است. اینکه مذاکره کردن اصولی دارد و طرفین مذاکره باید به صورت مرحله مرحله امتیاز بدهند و بگیرند تا به نتیجه برسند درست، اما شکست این مذاکره، قطعا تحت تاثیر بی‌اعتمادی کره به آمریکایی‌ها صورت گرفته است.

آیا اگر آمریکا زیر تعهداتش مقابل ایران نزده و از آن خارج نشده بود(سوای از اینکه برجام چگونه توافقی است)، احتمال اینکه این مذاکره، تا آخر ادامه پیدا می‌کرد و اینگونه شکست نمی‌خورد، بالاتر نمی‌رفت؟ چرا کیم جونگ اون باید در برابر تنها عامل بازدارنده‌اش در مقابل کشوری که مثل آب خوردن زیر تعهداتش می‌زند، ریسک کند. رهبر کره شمالی با وجود جوانی، تجربه برجام، توافق آب و هوایی پاریس، پیمان تجاری شراکت فرا آتلانتیک(تی پی پی)، پیمان موشکی ۱۹۸۷ با روسیه، توافق تجارت آزاد آمریکای شمالی(نفتا) و... را که آمریکا به بهانه‌های مختلف طی یکی دو سال گذشته از آنها خارج شده است را می‌بیند، بنابراین چرا باید به این کشور بدعهد اعتماد کند و تمام تاسیسات هسته‌ای‌اش را نابود کند؟ تاریخ آمریکا پر است از این خیانت‌ها و بدعهدی‌ها، کاش مذاکره‌کنندگان ما هم این خیانت‌ها را می‌دیدند تا امروز برای توجیه خسارت برجام، مجبور نمی‌شدند آسمان ریسمان ببافند و برایش دستاورد بتراشند. دستاوردهای رنگارنگی که همه چیز در آن هست الا، آنچه باید باشد یعنی رفع تحریم‌ها و گشایش اقتصادی. عجیب اینکه، عده‌ای به رغم اذعان به غیر قابل اعتماد بودن آمریکا باز می‌گویند، برویم و با این کشور دوباره مذاکره کنیم!

۲- یکی دیگر از دلایل شکست این مذاکرات می‌تواند نحوه انجام گرفتن آن باشد. ترامپ که بنابر اعلام مقامات استعفا داده کاخ سفید، حوصله گوش دادن به حرف‌های مشاورانش را هم ندارد، در آستانه شروع این مذاکرات، ضمن تعریف و تمجید ناشیانه از «کیم جونگ اون» تلاش کرده بود رهبر کره شمالی را به اصطلاح «خام» کند، آنجا که گفت، «رئیس‌کیم رهبر بزرگی است» و «ظرفیت‌های عظیمی در حوزه اقتصاد» در این کشور می‌بیند. این نوع مذاکره شاید هنگام امضای یک قرارداد تجاری بین مدیران دو شرکت «جواب» دهد اما طبیعتا، در مذاکراتی در این سطح، جوابگو نیست. همان طور که فارین پالیسی پیش‌بینی کرده بود، ترامپ نتوانست با این نوع دیالوگ «رئیس کیم»! را شکست دهد.

۳- شاید با کمی اغماض بتوان گفت، روحیه خاص ترامپ هم به اندازه خود، در روشن شدن فوری تکلیف دور دوم مذاکرات آمریکا و کره شمالی نقش داشت. ترامپ، مکار و دروغگو هست اما نه به اندازه اوباما. رئیس‌جمهور آمریکا نشان داده مثل دولتمردان سابق کشورش، آدم زیاد پیچیده‌ای نیست. شاید همین روحیه باعث شد وی مثل اوباما نتواند اهداف پلیدش را پنهان کند و در همان ساعات نخست مذاکره، مثلا اعلام نکند «اگر تاسیسات هسته‌ای‌تان را برچینید، تمام تحریم‌ها را بر می‌چینیم.» ترامپ در آستانه مذاکرات با چرب‌زبانی، تعریف و تمجید از کیم و نشان دادن در باغ سبز به کره شمالی نشان داد آدم حیله‌گری است اما، نه به اندازه اوباما و تیمش.

۴- برای حل بحران ۶ دهه‌ای شبه جزیره کره، نقش چین و روسیه را نباید کوچک دید. این دو کشور، اصلی‌ترین حامیان کره شمالی‌اند و شاید بدون حمایت‌های آنها، پیونگ یانگ نتواند تحریم‌های وحشیانه غرب را دور بزند. بنابراین امکان ندارد پیونگ یانگ، در مذاکره با آمریکا، با مسکو و پکن هماهنگ و همراه نبوده باشد. اگر «ناتو» یکی از ابزارهای آمریکا برای مهار روسیه است، چرا نگوییم کره شمالی یکی از ابزارهای این بلوک برای مهار آمریکا است؟! این را گفتیم تا نتیجه بگیریم، بحران کره شمالی صرفا با مذاکره دو طرف مناقشه(واشنگتن و پیونگ یانگ) حل نخواهد شد. این میدان، بازیگران زیادی دارد که هر یک به اندازه خود در حل این بحران می‌توانند نقش داشته باشند.

بر این باوریم که، بحران کره به این سادگی‌ها حل نمی‌شود. برای درک چرایی این ادعا کافی است یادآوری کنیم که، یکی از درخواست‌های اصلی «کیم جونگ اون» از «ترامپ» در این مذاکره، اعلام آتش‌بس رسمی بین دو کره بود که با مخالفت سخت ترامپ مواجه شده است. دو کشور کره شمالی و کره جنوبی می‌خواهند آتش‌بس کنند، آمریکا به سختی با آن مخالفت می‌کند. این، چه معنایی دارد؟ آیا به این معنا نیست که، منافع آمریکا در بحرانی بودن روابط دو کره است؟! آمریکا زمانی حاضر خواهد شد دو کره آشتی کنند که از قِبَل این آشتی، منافعی بیش از زمان بحران به دست آورد. یک دلیل دیگر برای سخت دیدن حل بحران کره، به وضعیت داخلی دو کشور آمریکا و کره شمالی باز می‌گردد. وضعیت آمریکا را در همان بند اول تشریح کردیم. آمریکایی‌ها قابل اعتماد نیستند. کره شمالی نیز حیات خود را به توانایی بالای نظامی‌اش گره زده است. آنچه تا کنون مانع از حمله آمریکا و متحدانش به کره شمالی شده است، نه نگرانی از جان مردم این کشور و مسائل حقوق بشری که، وحشت از قدرت بالای نظامی آن بوده است. بنابراین باور کردن اینکه پیونگ یانگ، قوی‌ترین ابزار بازدارندگی‌اش را در برابر کشوری با مختصات آمریکا و رئیس‌جمهوری با مختصات ترامپ کنار بگذارد، بسیار سخت است.

اما آن نکته مهم. چند روز قبل از این مذاکرات، وقتی خبرنگار سی‌بی‌اس از پمپئو، وزیر خارجه آمریکا پرسید، چرا برای مذاکره با کره شمالی هیچ پیش‌شرطی نگذاشتید اما وقتی پیشنهاد مذاکره با ایران را مطرح کردید، ۱۲ پیش‌شرط برای آن گذاشتید؟ (نقل به مضمون) پاسخ پمپئو قابل تامل بود: «برای اینکه شرایط کره شمالی با ایران متفاوت است. آنها دارای بمب اتم و موشک‌هایی هستند که می‌تواند تا خاک آمریکا برسد.»

امروز بر دنیای سیاست، قانون جنگل حاکم است. در دنیای «سیاست منهای اخلاق»، این اقتدار افزودن بر مولفه‌های قدرت است که کار را جلو می‌برد نه لبخند زدن و اعتماد کردن و دادن مولفه‌های قدرت. وقتی «اخلاق» را از سیاست حذف می‌کنند، اعتماد کردن به حریف مضحک می‌شود و اعتمادکننده «ساده‌لوح». ساده‌لوح‌تر از همه اما کسانی هستند که با وجود چند بار گزیده شدن هنوز، تصور می‌کنند با دادن مولفه‌های قدرت است که می‌توان کشورداری کرد! پاسخ پمپئو به خبرنگار سی‌بی‌اس یعنی، در مذاکره هم اقتدار است که جواب می‌دهد.

جعفر بلوری

مدیر مسئول کیهان در اجتماع بزرگ مردم دامغان:

دشمن روی نقطه ایده‌آل انگشت می‌گذارد تا ملت ندانند در چه نقطه بلندی ایستاده‌اند

دامغان- خبرنگار کیهان:

یکی از ترفندهای دشمن «انگشت روی نقطه ایده‌آل است» دشمن روی نقطه ایده‌آل انگشت می‌گذارد و ادعا می‌کند چون به آن نقطه نرسیده‌اید، حرکت ناموفقی داشته‌اید! مثل اینکه شما می‌خواهید به یک قله ۳۰۰۰ متری صعود کنید و حالا به نقطه ۲۷۰۰ متری رسیده‌اید و کسانی بگویند مگر قرار نبود به قله ۳۰۰۰ متری برسید؟! حالا که نرسیده‌اید باید قبول کنید که موفق نبوده‌اید! بله، هنوز به قله نرسیده‌ایم ولی ۲ هزار و ۷۰۰ متر از مسیر را طی کرده‌ایم. استفاده دشمن از این ترفند برای آن است که ملت ندانند در چه نقطه بلندی ایستاده‌اند و چه دستاوردهای معجزه‌گونی داشته‌اند تا در ادامه راه سست و بی‌انگیزه شوند!

حسین شریعتمداری، مدیر مسئول کیهان چهارشنبه شب در اجتماع بزرگ مردم دامغان در مصلای این شهر که با عنوان « گام دوم و فصل بعثت انقلاب» و یادمان شهید شاهچراغی و شهید موسوی دامغانی برپا شده بود، بیانیه «گام دوم» را نقشه راه انقلاب اسلامی در چهل ساله دوم نامید که با ارزیابی دقیق از راه طی شده در چهل سال گذشته تهیه و تدوین شده است و گفت؛ نکات مطرح شده در این بیانیه با پیوست مستندی همراه است که هیچ ناظر منصف و بی‌طرفی حتی اگر در جبهه مقابل انقلاب هم باشد، نمی‌تواند در صحت و درستی آن کمترین تردیدی روا بدارد. حضرت آقا با نگاهی برگرفته از متن اسلام ناب و درس‌ها و عبرت‌های پیشین به بایدها و نبایدهای مسیر اشاره می‌کنند و توضیح می‌دهند که راه پیش‌روی را چگونه باید طی کنیم؟ وی به نکاتی از بیانیه گام دوم اشاره کرد و از وقایع و رخدادهایی یاد کرد که نشان می‌دهند این بیانیه با چه دقت و نگاه واقع‌بینانه‌ای تهیه شده است.

مدیر مسئول کیهان در ادامه، به مقایسه چند نمونه از نقطه آغاز انقلاب با نقطه‌ای که امروزه در آن ایستاده‌ایم پرداخت که نشان می‌داد طی چهل سال گذشته گام‌های بلند و معجزه‌گونی به سوی نقطه مطلوب که همان تمدن نوین اسلامی است برداشته‌ایم و گفت: یکی از ترفندهای دشمن «انگشت روی نقطه ایده آل است» و توضیح داد که دشمن روی نقطه ایده‌آل انگشت می‌گذارد و ادعا می‌کند چون به آن نقطه نرسیده‌اید، حرکت ناموفقی داشته‌اید! مثل اینکه شما می‌خواهید به یک قله ۳۰۰۰ متری صعود کنید و حالا به نقطه ۲۷۰۰ متری رسیده‌اید و کسانی بگویند مگر قرار نبود به قله ۳۰۰۰ متری برسید؟! حالا که نرسیده‌اید باید قبول کنید که موفق نبوده‌اید! بله، هنوز به قله نرسیده‌ایم ولی ۲ هزار و ۷۰۰ متر از مسیر را طی کرده‌ایم. شریعتمداری گفت: استفاده دشمن از این ترفند برای آن است که ملت ندانند در چه نقطه بلندی ایستاده‌اند و در ادامه راه سست و بی‌انگیزه شوند!

وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: داستان پر ماجرای ما از آنجا آغاز شد که به همت امام راحلمان(ره) و خروش مقدس مردم، اسلام ناب محمدی از عرصه تئوری و از میان کتاب‌ها و صفحه ذهن‌ها به میدان عمل بازگشت و بر کرسی حاکمیت نشست و از آنجا که اسلام ماهیتا ظلم‌ستیز است به طور طبیعی و بدیهی وقتی می‌خواهد به عمل و اجرا درآید، نظام سلطه بین‌الملل در مقابل آن به دشمنی برمی‌خیزد. بنابراین درگیری ما با نظام سلطه جهانی از ماهیت طرفین درگیر ریشه می‌گیرد و فقط هنگامی پایان می‌پذیرد که یکی از دو سوی این آوردگاه تغییر ماهیت بدهد، یا ما از اسلام در حاکمیت دست برداریم و یا نظام سلطه از خوی استکباری خود جدا شود.

مدیر مسئول کیهان افزود؛ فقط نیم نگاهی به اطراف به وضوح نشان می‌دهد که دشمنان ما روی قوس نزولی قدرت و انقلاب اسلامی روی قوس صعودی آن حرکت می‌کند. غرب‌آسیا به ویترینی از شکست‌ها و ناکامی‌های پی‌درپی آمریکا و متحدانش تبدیل شده است. شریعتمداری در ادامه به نمونه‌هایی از پیروزی ایران اسلامی در منطقه و تکثیر انقلاب اشاره کرد و گفت: امام راحلمان می‌فرمود اسلام سنگرهای کلیدی جهان را فتح می‌کند و امروزه بسیاری از این سنگرها که حیاط خلوت آمریکا بوده‌اند به حامیان و همراهان انقلاب اسلامی تبدیل شده‌اند.

مدیر مسئول کیهان با اشاره به این بخش از بیانیه گام دوم که در آن آمده است همه راه‌کارها در داخل کشور است گفت؛ مشکلات اقتصادی امروز نتیجه و حاصل عملکرد به نسخه‌های لیبرالی است و به انقلاب اسلامی ربطی ندارد. حضرت امام می‌فرمودند فقط کسانی تا آخر در کنار ما ایستاده‌اند که طعم فقر را چشیده باشند و تاکید می‌کردند که اگر صاحبان ثروت در مسئولیت قرار بگیرند، فاجعه می‌آفرینند. وی افزود؛ از فلان آقا درباره میزان ثروتش سؤال می‌کنید، می‌گوید ۷ هزار میلیارد تومان! خب، ایشان در مسئولیت چه می‌کند؟ او از مفهوم بی‌خانمانی و یا گوشت کیلویی ۱۰۰ هزار تومان چه می‌داند؟! مادام که این افراد در مسئولیت‌ها حضور داشته باشند نمی‌توان بر مشکلات فائق آمد. شریعتمداری گفت؛ قیمت مسکن و اجاره بها طی دو سال تقریبا ۳ برابر شده است. چرا قانون مالیات بر خانه‌های خالی اجرا نمی‌شود؟ در همین تهران برج‌های سر به فلک کشیده‌ای با واحدهای خالی وجود دارند. اگر صاحبان کلان‌سرمایه‌دار خانه‌های خالی مجبور به پرداخت مالیات باشند، واحدها را به فروش می‌گذارند و با افزایش عرضه، قیمت‌های نجومی مسکن و اجاره بها افت شدید خواهد کرد. وی به سامانه‌ای که قرار بود میزان حقوق و مزایای مسئولان در آن اعلام شود اشاره کرد و پرسید چرا دولت از راه‌اندازی این سامانه طفره می‌رود؟ این سامانه می‌تواند از دریافت حقوق‌های نجومی جلوگیری کند. مدیر مسئول کیهان به رقم فوق‌نجومی نقدینگی اشاره کرد و گفت: میزان نقدینگی از حدود ۴۵۰ هزار میلیارد تومان در ۵ سال قبل به ۱۷۰۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است! چرا؟ وی افزود؛ آقایان به کشورهایی که قطب برخی از آنهاست مراجعه کنند! در برخی از آن کشورها سود سپرده ۴درصد است و بعد از مدتی نه فقط به سپرده‌گذاران سودی نمی‌دهند بلکه از آنها هزینه صندوقداری هم می‌گیرند. در این حالت کدام آدم عاقلی پول‌هایش را در بانک ذخیره می‌کند؟ کسی که می‌تواند سود ۲۱ درصدی بگیرد چرا باید خودش را درگیر مشکلات تولید و کسب و کار کند؟ البته کسانی که اندک سرمایه خود را برای محافظت به بانک‌ها می‌سپارند حساب جداگانه‌ای دارند اگرچه این سرمایه‌ها نیز می‌تواند در چرخه تعاون و مشارکت با دیگران در عرصه تولید به کار گرفته شود.

شریعتمداری با اشاره به قاچاق کالا، دوزدزن قانون و نمونه‌های دیگری از این دست که همگی از سوءاستفاده‌ها و قانون‌شکنی‌ها ریشه می‌گیرند اشاره کرد و گفت: حالا اگر به این بخش از نظر رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم برگردید به وضوح می‌بینید همانگونه که حضرت ایشان فرموده‌اند، همه مشکلات راه‌حل داخلی دارند و تصدیق می‌کنید هرجا ناهنجاری و پلشتی هست به علت آن است که در آن نقطه به نسخه انقلاب عمل نکرده‌ایم.

مدیر مسئول کیهان فاجعه برجام را هم ناشی از بی‌توجهی به هشدارهای رهبر معظم انقلاب دانست و گفت: از جمله هشدارهای ایشان آن بود که به لبخند حریف اعتماد نکنید ولی آقایان امضای جان کری را تضمین برجام دانستند! وی افزود: اصلی‌ترین کلاهی که سرمان گذاشتند این بود که ابتدا امتیازهای نقد را گرفتند و درباره تعهدات خود وعده‌های نسیه دادند و این در حالی بود که حضرت آقا به صراحت فرموده بودند «لغو تحریم‌ها پس از اجرای توافق، خدعه آمریکایی است». شریعتمداری در ادامه گفت؛ FATF و کنوانسیون‌های آن از جمله کنوانسیون پالرمو، برجام فاجعه‌بار دیگری است که هدف اصلی آن خلع سلاح ایران اسلامی و حذف کانون‌های قدرت آن است. لایحه CFT نام مقابله با تامین مالی تروریسم را دارد ولی آنها با صراحت اعلام کرده‌اند که تعریف ما از تروریسم را نمی‌پذیرند و در همان حال سپاه پاسداران، نیروی قدس، وزارت دفاع، وزارت اطلاعات ما را تروریست می‌دانند. بنابراین اگر این لوایح را بپذیریم باید بودجه مراکز یاد شده را قطع کنیم. یعنی خلع سلاح شویم و کشور و مردم را دست بسته تسلیم دشمن و تروریست‌های تکفیری کنیم. ماجرا به همین سادگی است و معلوم نیست مدافعان این لوایح ذلت‌بار برای ذلت‌پذیری خود چه توجیهی دارند و چرا به جای سخنرانی‌های یک‌طرفه، حاضر نیستند در یک گفت‌وگوی رودررو با منتقدان شرکت کنند تا همگان ببینند که FATF و پالرمو زنجیری است که برای اسارت ایران اسلامی و مردم آن تدارک دیده‌اند.

گفتنی است شریعتمداری در آغاز به خاطره‌ای از دو شهید بزرگوار شهید شاهچراغی و شهید موسوی دامغانی اشاره کرد و گفت؛ آن شبی که قرار بود فردای آن شهید سیدحسن شاهچراغی به جبهه برود، به قرآن توسل یافت و این آیه آمد « الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمُ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ». به شهید موسوی زنگ زد و پرسید به جبهه می‌آیی؟ شهید موسوی گفت من تازه از جبهه آمده‌ام و مدتی به کارهایم می‌رسم و دوباره می‌روم. شهید شاهچراغی گفت؛ به قرآن مراجعه کرده‌ام آیه‌ای آمده که بوی شهادت دارد و آیه را تلاوت کرد. شهید موسوی با شنیدن این آیه، بی‌آنکه لحظه‌ای درنگ کند موافقت کرد و فردای آن روز هر دو به شهادت رسیدند. در این ماجرا دقت کنید. چه می‌بینید؟ شوق شهادت و انتخاب نه‌فقط آگاهانه بلکه عاشقانه شهادت فی سبیل الله.

گفت و شنود

راهنما!

گفت: چرا مذاکرات ترامپ و «کیم جونگ اون» در ویتنام شکست خورد و حتی برنامه ناهاری که با هم داشتند را هم لغو کردند؟!

گفتم: ترامپ می‌خواست در مقابل امتیاز نقدی که از کره شمالی می‌گیرد، فقط قول نسیه بدهد و طرف که تجربه برجام ما را دیده بود، فریب نخورد و گفت؛ در مقابل امتیاز باید امتیاز بدهید.

گفت: ترامپ که کلی لبخند زده بود و از کیم تعریف کرده و نوشابه باز کرده بود!

گفتم: خب، کیم جونگ اون، همه این ترفندها را در مواجهه آمریکا با تیم هسته‌ای ما دیده بود و مانند تیم ما فریب نخورد!

گفت: ما که بدعهدی‌های آمریکا را صدها بار بیشتر از کره شمالی دیده و تجربه کرده بودیم، چرا فریب خوردیم؟! و حالا هم دارند FATF را که برجام دوم است تحمیل می‌کنند!

گفتم: چه عرض کنم؟! راننده‌ای یک ساعت داشت توی یک میدان دور می‌زد! افسر راهنمایی پرسید؛ چرا آنقدر دور می‌زنی؟ راننده گفت؛ جناب سروان راهنمای ماشینم گیر کرده!

روزنامه الاخبار لبنان:

سفر اسد به تهران، توهم را از سر مسئولان صهیونیست پراند

یک روزنامه لبنانی با اشاره به اهمیت زمان سفر رئیس‌جمهور سوریه به ایران، تأکید کرد که این سفر، ایستگاه اصلی مرحله جدید در مقابله با چالش‌های آتی خواهد بود.

«انگیزه سفر اخیر بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه به ایران هر چه که باشد، بسیار دشوار است که آن را از ساختار و بافت منطقه‌ای جدا کرد؛ چرا که این سفر همزمان با سفر «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به مسکو صورت گرفت».

روزنامه لبنانی «الاخبار» با مقدمه فوق به ابعاد سفر اسد به تهران و دیدارش با مسئولان جمهوری اسلامی ایران پرداخت و نوشت، تصویر اسد که آیت‌الله سید علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران را در آغوش گرفته است، به صورت مختصر پیام‌هایی را به طرف‌های ذی‌ربط ارسال کرد از جمله اینکه «سوریه به کسانی که در مهم‌ترین لحظات تاریخی در کنارش بوده‌اند پشت نخواهد کرد، گزینه‌های آتی آن نیز با گزینه‌هایش در اوج درگیری با گروه‌های تروریستی تفاوت نخواهد داشت» و همچنان رکن اصلی محور مقاومتی باقی خواهد ماند که از تهران تا بیروت امتداد دارد.

الاخبار با بیان اینکه این دیدار، «نشست پیروزها» بود، تأکید کرد که چنین سفری چالش در تل‌آویو را افزایش خواهد داد.

این روزنامه با اشاره به اینکه سفر اسد در اوج تلاش صهیونیست‌ها برای بیرون راندن ایران از سوریه صورت گرفت، تأکید کرد که سفر مذکور، توهم‌های مسئولان اسرائیلی و فشارهایی را که قصد داشتند از رهگذر حملات خود اعمال کنند، از سرشان پراند.

به گزارش فارس الاخبار با اشاره به اینکه اسرائیلی‌ها گمان می‌کردند تداوم فشار به نظام سوریه باعث خواهد شد که بیشتر به روسیه متمایل شود، اما این سفر و زمانش بار دیگر از درایت و شجاعت اسد در ایجاد روابط متوزان با طرفین (ایرانی و روس) حکایت داشت. لذا اینکه روسیه و ایران، هر دو در مقابله با هژمونی آمریکا شریک هستند، در معرض فشارها و تحریم‌های آمریکا قرار دارند و سیاست‌های واشنگتن را تهدیدی برای نفوذ و امنیت ملی خود می‌دانند باعث خواهد شد که اسد بتواند این مسیر را ادامه دهد.

خبر ویژه

رأی‌الیوم: ملاحظات امنیتی موجب شد سفر اسد به تهران محرمانه باشد

روزنامه منطقه‌ای رأی‌الیوم در تحلیلی به مناسبت سفر بشار اسد به تهران، راز مخفیانه بودن این سفر را مقابله با تحرکات جاسوسی آمریکا توصیف کرد.

به گزارش انتخاب، عبدالباری عطوان در این یادداشت ضمن بررسی ابعاد مختلف سفر مهم بشار اسد می‌نویسد: اینکه بشار اسد شخصا برای تبریک سالروز پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری ایران، به این کشور سفر کند، منعکس‌کننده یک تحول راهبردی بی‌سابقه است.

این اولین بار است که از زمان آغاز بحران سوریه، اسد به پایتختی غیر از مسکو می‌رود؛ امری که منعکس‌کننده حالتی از اعتماد، اقدامات امنیتی دقیق و بهبود اوضاع سوریه در سطوح مختلف است.

انتخاب تهران از سوی بشار اسد، برای اینکه اولین مقصد او باشد، نشان‌دهنده عمق روابط استراتژیک بین دو کشور و ایستادگی آنها در یک جبهه واحد در برابر تروریسم و طرح غربی آمریکایی در منطقه است که به معنای ارسال پیامی برای آمریکا و اسرائیل است، مبنی بر اینکه نیروهای ایرانی در سوریه باقی می‌مانند.

قطعا این سفر برای هماهنگی در خصوص چگونگی برخورد با تهدیدات اسرائیل و آمریکا انجام شد؛ این سفر همچنین پاسخی به تمام ادعاهایی بود که در برخی رسانه‌ها در خصوص محاصره اسد در کاخش مطرح می‌شد.

نکته مهم در این سفر، دیدار اسد با حسن روحانی بود که در جریان آن، رئیس‌جمهور ایران، اسد را از نتایج نشست سه جانبه سوچی، با حضور ایران، روسیه و ترکیه آگاه کرد. اینکه رئیس‌جمهور سوریه به‌صورت مستقیم و از همتای ایرانی خود آنچه در سوچی گذشته را بشنود، تفاوت زیادی دارد با دریافت پیام‌های کتبی یا شفاهی نمایندگانش در این باره.

مسئله دیگری که نمی‌توان از آن گذشت، صحبت‌های دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، علی شمخانی بود که طی آن تصریح کرد محور مقاومت بیش از ۹۰ درصد اهدافش در سوریه را محقق کرده است.

این اظهارات همزمان شد با رونمایی ایران از زیردریایی خود که قادر به شلیک موشک‌های بالستیک است و همچنین، رونمایی از موشک جدیدی که برد آن به ۱۳۰۰ کیلومتر می‌رسد و توان حمل کلاهک‌های هوشمند را دارد. ضمن اینکه مانورهای دریایی ایران در تنگه هرمز، دریای عمان و اقیانوس هند نیز تا سه روز به طول انجامید.

رأی‌الیوم در ادامه می‌نویسد: نمی‌دانیم بشار اسد چگونه به تهران پرواز کرد؛ همان‌طور که از هیئت همراه او و مسیر هواپیمایی که وی در آن بود و نظامی یا شهری بودن آن، اطلاعی نداریم. اما می‌دانیم که وی بدون هیچ مانعی به سلامت به دمشق بازگشت و طبق عادتِ اینگونه دیدارها، پس از پایان یافتن علنی آن و بازگشت سالم رئیس‌جمهور سوریه به پایتخت این کشور، سفر اسد به تهران علنی شد. همچنان‌که سفرهای قبلی او به مسکو نیز به همین شکل انجام شد. علت این مسئله آن است که آسمان سوریه پر است از جنگنده‌های آمریکایی و غربی و دهها ماهواره جاسوسی که گفته می‌شود حتی حرکت مورچه روی زمین را تشخیص می‌دهند؛ در چنین شرایطی، ملاحظات امنیتی ضروری به نظر می‌رسد.

باید بگوییم این سفر، منعکس‌کننده شتاب در بهبود اوضاع سیاسی و نظامی سوریه است و چه بسا در آینده نزدیک، زمینه‌ساز سفرهای دیگر بشار اسد به دیگر پایتخت‌های عربی و غیرعربی باشد. البته اسد ترجیح می‌دهد دیگران پیش او بروند.

همچنین وبسایت خبری عرب‌زبان «جاده ایران» در گزارش مشابهی می‌نویسد: سردار سلیمانی شخصا بشار اسد را در این سفر همراهی می‌کرد. محرمانه ماندن، ویژگی بارز این سفر بود، تا از انتشار اخباری در این مورد که ممکن بود مهمان ویژه ایران را در معرض خطر قرار دهد، جلوگیری شود. علت کوتاهی سفر نیز همین مسائل امنیتی بود. پنهان کردن مسئله سفر اسد به تهران با هدف تضمین عدم انتشار این خبر تا پیش از زمان موعد، صورت گرفته است.

سروش: خمینی مردمی‌ترین رهبری بود که در تاریخ ایران ظهور کرد

عضو اتاق فکر فتنه سبز در خارج کشور گفت: هیچ رهبری از دوره هخامنشیان تا امروز، با آقای خمینی در سطح دانش و سواد قابل مقایسه نیست.

عبدالکریم سروش ضمن سخنانی در کالیفرنیا (مقارن با چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب) گفته است: «اگر امروز شما را بین شاه و آقای خمینی مخیر کنند، کدامشان را می‌پذیرید، اگر فرض کنیم که هیچ اختیاری نداشته باشیم جز اینکه یا شاه و آقای خمینی یکی را انتخاب کنیم بنده صددرصد آقای خمینی را انتخاب می‌کنم. برای اینکه آقای خمینی، مردمی‌ترین رهبری بود که در تاریخ این کشور ظهور کرد. شما فقط کافیست که استقبال از او و بدرقه از او را وقتی که مرد ببینید. ما در تاریخ ایران هیچ رهبری را نداریم که این طور در دل مردم جا داشته باشد. شاه که هیچ، پدرجد شاه هم خواب این جور پشتیبانی مردمی را نمی‌دیدند. مردم به هر حال یک چیزی دیده بودند، نشان یک عشقی بود، نشان یک عاطفه‌ای بود که معطوف به یک رهبری می‌شد که دوستش داشتند؛ در او چیزی دیده بودند. خمینی باسوادترین رهبر این کشور بوده تا کنون؛ از ایام اولیه حکومت هخامنشیان تا روزگار حاضر هیچ‌کس به لحاظ علمی به پای او نمی‌رسید.

چرا؟ برای اینکه اولا فقیه درجه اولی بود، عرفان هم خوانده بود، فلسفه هم خوانده بود. شاه قبل از آقای خمینی که بود؟ یک جوان ۲۰ ساله که از سوئیس بلند شد آمد ایران پادشاه شد. بعد از پادشاهی‌اش که درس و مکتب و مدرسه‌ای نبود؛ قبلش هم حداکثر یک دیپلم، اگر آن دیپلم را هم داشت، من خبر ندارم. سوادی نداشت. پادشاهان قبل از او چی؟ این رو تواریخ برای ما نوشتند، اینها خواندن و نوشتن بلد نبودند. آن‌قدر فاصله زیاد است که لازم نیست ما بخواهیم شواهد تاریخی بیاوریم. نه فقط در ایران، شما سراغ پادشاهان انگلستان و فرانسه بروید، اینها آدم‌های بافکری، با علمی و باسوادی نبودند. در تاریخ ما آقای خمینی واقعا یک نمونه بی‌نظیر بود در مقام حکومتداری، خمینی سابقه خوبی داشت. در گذشته او هیچ چیز ناپاکی وجود نداشت. نه مال مردمی را خورده بود. نه آدمی را کشته بود. نه تجاوزی به حق کسی کرده بود. هیچکدام اینها نبود. مرد شجاعی بود. ما آدم شجاع در تاریخ خودمان کم داشتیم. آدم قلدر داشتیم، ولی شجاعت یک فضیلت اخلاقی است. این غیر از این است که شما زورتان زیاد باشد. نادرشاه هم آدم قلدری بود. ولی شجاعت اصلا حرف دیگری است. اختناق و خفقانی که در زمان شاه بود که کسی جرأت سخن گفتن نداشت، یک کسی از قم [اشاره به امام خمینی] برمی‌خاست و فریاد می‌کشید و مقابل حکومت شاه می‌ایستاد و می‌گفت من سینه‌ام را برای سرنیزه‌های شاه آماده کرده‌ام، این چه میزانی از شجاعت لازم دارد؟!»

او همچنین گفت ممکن است بگویید مردم ایران دیوانه بودند، خب مردم ایران هم برمی‌گردند و می‌گویند خود شما دیوانه هستید.

اصغرزاده: دستاورد دولت برجام بود که به وصله ناجور تبدیل شده است

یک روزنامه اصلاح‌طلب، طی گزارشی به دلایل خروج وزرای نامدار و چهره‌های اصلی کابینه از دولت روحانی پرداخت.

روزنامه شرق نوشت: موضوع کابینه دولتی است که به صفت اعتدال‌گرایی خود می‌بالد، اما هر روز با شایعه کناره‌گیری و استعفا یا استیضاح یکی از وزرایش و از قضا وزرای مهم خود دست و پنجه نرم می‌کند. شاید مهم‌ترین پرسش این است که کابینه با چه وضعیتی روبه‌روست؟ و اینکه اساسا این خروج وزرا از دولت کابینه را به چه وضعی دچار می‌کند. در مورد خاص ظریف، اگر چه همه چیز دست به دست هم داد تا او به دولت بازگردد، اما دست کم درباره سایر وزرا وضعیت فرق کرده و می‌کند. یعنی آنها که قصد خروج از دولت داشتند،خارج شدند و حسن روحانی ماند و آنچه از سایر اعضای کابینه‌اش باقی مانده است؛ یعنی برخی مهره‌های اصلی رفته‌اند و مانده مهره‌هایی که از اول در زمین بازی روحانی نبودند، اما به ناچار آنها را وارد زمین کرد.

به گزارش جهان نیوز در ادامه گزارش این روزنامه حامی دولت آمده است: سوال این است که چه چیزی باعث شده تا برخی وزرا، بیش از ماندن به رفتن ترغیب شوند؟ یا به عبارت ساده‌تر مگر در دولت چه می‌گذرد؟ ابراهیم اصغرزاده در گفت‌وگوی خود با «شرق» به این سوال پاسخ داده است و می‌گوید: به اندازه کافی شواهد داریم که نشان دهد دولت ضعیف شده است. در شرایط فعلی در حالت بی‌دولتی به سر می‌بریم. نه اینکه دولتی نداشته باشیم، بلکه دولتی وجود دارد که در حوزه اقتصاد، سیاست داخلی و سیاست خارجی دست پایین را دارد.

اصغرزاده ادامه می‌دهد: مهم‌ترین دستاورد دولت که قابل دفاع بود، مسئله برجام بود که الان به یک وصله ناجور بدل شده است. اشکال دولت روحانی این است که چون اولویت خود را حل مسئله هسته‌ای و برجام گذاشته و در سال ۹۵ هم به موفقیتی دست پیدا کرد، اما باعث شد که در سایر حوزه‌ها دست پایین‌تر داشته و انگیزه‌ای هم برای برنامه‌ریزی نداشته باشد.

اصغرزاده اضافه می‌کند: بر همین اساس،با خروج آمریکا اقتصاد و سیاست خارجی متلاطم شده و دولت به لحاظ سیاست داخلی و خارجی چون برای تحقق اهداف خود پشتوانه کافی ندارد، باعث می‌شود که وزرای قدرتم